

پژوهش‌های فیزیولوژی و مدیریت در ورزش

دوره ۹، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۶

ص ص : ۱۶۲ - ۱۴۷

بررسی ارتباط عوامل بازدارنده با میزان مشارکت دانشجویان در فعالیتهای فوق برنامه ورزشی دانشگاه نظامی با روش تحقیق آمیخته

سعید صانعی*^۱ - سیدرضا حسینی نیا^۲

۱. دانشیار، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، تهران، ایران ۲. استادیار، دانشکده

تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۸/۰۳/۱۳۹۳، تاریخ تصویب: ۱۲/۱۲/۱۳۹۳)

چکیده

هدف از تحقیق حاضر بررسی ارتباط عوامل بازدارنده با میزان مشارکت دانشجویان در فعالیتهای ورزشی فوق برنامه دانشگاه نظامی است. روش تحقیق آمیخته، از نوع تشریحی بود. به منظور گردآوری داده‌ها از دو روش پرسشنامه و مصاحبه استفاده شد. نتایج نشان داد که حدود ۶۶ درصد دانشجویان اذعان داشته‌اند که در هیچ یک از فعالیتهای ورزشی شرکت نمی‌کنند. در میان دانشجویان سه عامل زمان، مهارت و علاقه فردی به ترتیب از سطح بازدارندگی بالاتری برخوردار بودند. همچنین رابطه معناداری بین کمبود زمان، علاقه فردی، جایگاه اقتصادی، سطح آمادگی جسمانی و روابط اجتماعی با میزان شرکت دانشجویان در فعالیتهای ورزشی به دست آمد، ولی بین عوامل امکانات، کیفیت مدیریت، مهارت با میزان مشارکت در فعالیتهای ورزشی رابطه معناداری مشاهده نشد. همچنین در نتایج تحقیق کیفی دو دسته عوامل فردی و سازمانی شناسایی شدند که بر عدم شرکت دانشجویان در فعالیتهای فوق برنامه ورزشی نقش داشتند. بخش اعظمی از نتایج به دست آمده در تحقیق کمی توسط نتایج تحقیق کیفی تأیید شد، ضمن اینکه چرایی آنها به طور دقیق، عمیق و کاربردی تر بررسی شد. از آنجا که شرکت در فعالیتهای ورزشی موجب ارتقای سلامت افراد می‌شود، به مسئولان بخش مربوط پیشنهاد می‌شود به منظور رفع این موانع تدابیری بیندیشند و شرایط را برای شرکت هر چه بیشتر دانشجویان فراهم سازند.

واژه‌های کلیدی

دانشجویان، روش تحقیق آمیخته، عوامل بازدارنده، فعالیتهای ورزشی فوق برنامه.

مقدمه

به‌جرات می‌توان گفت از زمانی که انسان پا به عرصهٔ حیات نهاده، تمام فعالیت‌هایش به‌منظور تأمین رفاه بیشتر در زندگی بوده است. در این زمینه انسان از هزاران سال پیش به فکر حفظ سلامتی خود بوده و طی این دوران طولانی به تجربه دریافته است که حرکت و فعالیت‌های بدنی مناسب، عامل مؤثری است که می‌تواند در کنار سایر عوامل محیطی مانند تغذیه، استراحت و بهداشت، سلامت او را تضمین کند (۲۸). از طرفی توسعه و گسترش جوامع شهری، پیشرفت روزافزون علم و فناوری، صنعتی شدن و استفاده از ماشین در تمامی ابعاد زندگی و در نتیجه مهیا شدن زمینه‌های کم‌حرکی موجب احساس ضرورت هرچه بیشتر پرداختن به ورزش و فعالیت‌های بدنی شده است. اگرچه تحقیقات متعدد نشان داده‌اند که شرکت در فعالیت بدنی برای سلامت جسم و روان مفید است (۲۳، ۳)، کم‌حرکی در بین مردم جهان پیوسته در حال افزایش است (۳۰). در این بین توجه به ورزش دانشجویان به‌دلیل ضعف توانایی‌های جسمانی و افزایش وزنی که در بین آنان مشاهده می‌شود، اولویت خاصی دارد (۸). بهره‌مندی مطلوب از فعالیت‌های فوق‌برنامه و فعالیت‌های ورزشی دانشکده در ایام فراغت موجب سلامت جسم و روان، بهبود روند تحصیلی و روابط اجتماعی آنان می‌شود (۷).

دانشجویان نقش اصلی را در پرورش نسل آینده به‌عهده دارند، در نتیجه رشد و سلامت آنان در رشد و سلامت جامعهٔ آتی کاملاً محرز است (۱۲). از این رو باید خاطرنشان کرد که تربیت بدنی و ورزش جایگاه خاصی در زندگی و اوقات فراغت آنان دارد. با توجه به نقشی که این گروه در ساختار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دارند و خود را برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی آماده می‌کنند، ضروری است که از سلامت جسمانی و روانی

کاملی برخوردار باشند (۹). توموسیمه (۲۰۰۴) معتقد است موانع درک‌شده پیش‌بینی‌کنندهٔ خوبی برای انجام ندادن فعالیت بدنی است (۲۹). بنابراین، بررسی مشکلات دانشجویان بیش‌ازپیش حائز اهمیت است.

توجه به فعالیت‌های ورزشی دانشجویان در دوران تحصیل و دانشگاه فرصت بسیار مغتنمی است که بتوان آنان را با فواید ناشی از ورزش بیشتر آشنا ساخت و بر سهم آن در پر کردن اوقات فراغت و حتی توجه به آن به‌عنوان امری لازم و ضروری افزود.

ممتازبخش و فکور (۱۳۸۶) راهکارهای ارتقا و توسعهٔ ورزش همگانی دانشگاه علوم انتظامی را از دیدگاه کارکنان و دانشجویان این دانشگاه بررسی کردند. پنج راهکار تأمین فضای مناسب، تأمین حداقل امکانات، تشویق افراد فعال، تأمین رفاه اقتصادی، اختصاص زمان آزاد و کافی در ارتقای ورزش همگانی این دانشگاه مهم-ترین اولویت‌ها را داشتند (۱۵). عزیزی و همکاران (۱۳۹۰) در بررسی نگرش دانشجویان خوابگاه‌های دانشگاه تهران به ورزش نشان دادند ۷۳/۱ درصد این افراد در فعالیت‌های ورزش همگانی و ۲۶/۹ درصد نیز در هیچ‌گونه فعالیت ورزشی مشارکت نمی‌کنند. آنها بیان کردند موانع و محدودیت‌های مشارکت دانشجویان به‌ترتیب اهمیت، مشغلهٔ زیاد، کمبود مربیان متخصص، نبود انگیزه و شاغل بودن آنها و در درجهٔ دوم پرداختن به مسائل دیگر، تنبلی و بی‌حوصلگی، نبود امکانات مناسب و کافی، عادت نداشتن و ضعف فرهنگ‌سازی ورزش در خوابگاه‌ها و دانشگاه هستند (۱۰). مطالعات انجام‌گرفته در این زمینه نشان می‌دهد که کمبود وقت (۲۵، ۲۲، ۱۳، ۴، ۱)، نبود امکانات کافی (۲۱، ۱۷، ۱۰، ۱)، مشغلهٔ زیاد (۱۳، ۱۰، ۵) عدم علاقه و بی‌حوصلگی (۲۲، ۱۰، ۶، ۵، ۱) از جمله عوامل مهم و تأثیرگذار بوده‌اند.

ترین موانع مشارکت دانشجویان در ورزش را خستگی جسمانی، کمبود وقت، محیط فعالیت و عدم تشویق خانواده ذکر کردند (۲۷). یافته‌های مطالعه ال‌گیلانی و همکاران^۴ (۲۰۱۱) نشان داد اگرچه بیش از ۷۰ درصد دانشجویان معتقد بودند فعالیت بدنی موجب کسب و حفظ سلامتی می‌شود، بیش از ۱۱ آنها غیرفعال بودند. از دیدگاه این دانشجویان مهم‌ترین موانع فعالیت بدنی محدودیت‌های زمانی، در دسترس و مناسب نبودن اماکن ورزشی و عدم حمایت و تشویق سایرین و مهم‌ترین فواید کسب‌شده از ورزش و فعالیت بدنی شامل توسعه و حفظ سلامتی، بهبود وضعیت بدنی و افزایش قدرت عضلات بودند (۲۱).

دانشجویان نظامی از جمله افرادی هستند که مسئولیت خطیری در دو جبهه تولید علم و همچنین حفاظت و حراست از مرزها و کیان نظام جمهوری اسلامی ایران برعهده دارند؛ بنابراین تدوین برنامه‌های فراغتی بهینه و اثربخش در حوزه ورزش به آنها کمک خواهد کرد تا با آمادگی مطلوب جسمانی و روانی در هرچه بهتر انجام دادن این وظایف تلاش کنند. تا به حال تحقیقات داخلی و خارجی مختلفی در حوزه اوقات فراغت دانشجویان صورت گرفته است، اما با توجه به نقش و مسئولیت خطیر دانشجویان نظامی در دو جبهه علم و حفاظت از مرزها و کیان نظام جمهوری اسلامی، تحقیقی در این حوزه صورت نگرفته است. مسئله اصلی تحقیق که طی مصاحبه با استادان و مسئولان فوق‌برنامه مشخص شد، این است که فعالیت‌های ورزشی فوق‌برنامه (ورزشی-تفریحی) به‌خوبی مورد استقبال دانشجویان قرار نگرفته است، به همین منظور این تحقیق برای شناخت مشکلات دانشجویان این دانشگاه که مانع شرکت آنان در

در تحقیقات دیگر نیز یافته‌های لیو (۲۰۱۴) نشان داد که عوامل بازدارنده زمان، شریک تمرینی، روانی، دانش و علاقه در بین بانوان نسبت به آقایان اهمیت بیشتری دارد (۲۶). همچنین آلدنر و همکاران (۲۰۰۶) در یک مطالعه مروری نشان دادند چالش‌هایی مانند نداشتن اندام متناسب برای حاضر شدن در جمع، نداشتن اعتمادبه‌نفس و نداشتن مهارت‌های ورزشی از جمله موانع مهم معرفی‌شده در مقالات مختلف بودند (۱۶). داسکاپان و همکاران (۲۰۰۶) نشان دادند کمبود وقت به دلیل برنامه‌های فشرده کلاسی، اهمیت دادن بیشتر والدین به موفقیت‌های تحصیلی نسبت به فعالیت بدنی و کمبود وقت به دلیل مشغله‌های خانوادگی و اجتماعی از مهم‌ترین دلایل شرکت نکردن در فعالیت بدنی بودند (۲۰). در تحقیق لرنر و همکاران^۱ (۲۰۰۹)، کمبود وقت و مشغله‌های شغلی و تحصیلی و نداشتن علاقه را مهم‌ترین موانع شرکت در فعالیت بدنی ذکر کردند (۲۵). چيو^۲ (۲۰۰۹) نشان داد بین نگرش به اوقات فراغت، انگیزش و خودکارآمدی و پرداختن به فعالیت بدنی در اوقات فراغت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و انگیزه و خودکارآمدی بهترین پیش‌بینی‌کننده مشارکت در فعالیت‌های بدنی در اوقات فراغت هستند (۱۹). نتایج مطالعه برادزینسکی و ایبن^۳ (۲۰۱۰) نشان داد تصور بدنی عامل مهمی در تعیین میزان فعالیت بدنی است. همچنین مکان فعالیت عامل تأثیرگذار بر مشارکت افراد در فعالیت بدنی بود. افراد غیرفعال که از ظاهر خود راضی بودند، تصور بدنی را مانعی برای فعالیت نمی‌دانستند. در نهایت این محققان بیان کردند تصور بدنی یک انگیزاننده برای افراد فعال است، اما برای افراد غیرفعال یک مانع محسوب نمی‌شود (۱۸). لوول و همکاران (۲۰۱۰)، مهم-

1. Lerner, Burns, & DeRoiste

2. Chiu

3. Brudzynski & Ebben

4. El-Gilany, Badawi, El-Khawaga, & Awadalla

فعالیت‌های ورزشی می‌شود، انجام گرفت تا بتوان از آن طریق راهکارهای اثربخش را ارائه کرد.

روش تحقیق

روش انجام این تحقیق، آمیخته و از نوع آمیخته تشریحی^۱ است. در یک دسته‌بندی کلی طرح‌های تحقیق آمیخته به سه دسته: ۱. طرح تحقیق آمیخته به هم‌تنیده^۲، ۲. طرح تحقیق آمیخته اکتشافی^۳ و ۳. طرح تحقیق آمیخته تشریحی تقسیم می‌شوند.

در طرح تحقیق آمیخته تشریحی، پژوهشگر داده‌ها را در دو مرحله، ابتدا داده‌های کمی و سپس داده‌های کیفی جمع‌آوری می‌کند و به‌منظور تشریح یک پدیده، وزن اصلی را به داده‌های کمی اختصاص می‌دهد، اما از داده‌های کیفی برای تشریح ابعاد مختلف پدیده استفاده می‌کند. به‌عبارتی از داده‌های کیفی برای توضیح بیشتر و آشکار کردن برخی جنبه‌های ابهام‌برانگیز استفاده می‌شود (۲).

در مورد ضرورت استفاده از روش تحقیق آمیخته باید گفت پژوهشگر با استفاده از روش‌های تحقیق کمی می‌تواند جنبه‌های مشاهده‌پذیر یک پدیده را که قابل‌اندازه‌گیری است، بررسی کند. چنانچه بخواهد به جنبه‌های نهفته یک پدیده و درک آن در حوزه‌های علوم انسانی، اجتماعی و رفتاری بپردازد، استفاده از روش‌های کمی چندان او را به نتایج ملموسی رهنمون نمی‌کند، در این حالت روش‌های کیفی را باید به‌کار برد؛ اما به‌کار بردن هر یک از دو دسته روش تحقیق کمی یا کیفی به‌تنهایی پژوهشگر را آن‌طور که انتظار می‌رود در شناخت بهتر پدیده‌ها یاری نمی‌دهد و چنانچه بتواند با ترکیب کردن دو دسته تحقیق کمی و کیفی بررسی

درباره پدیده مورد نظر را انجام دهد، به درک بهتری از پدیده دست خواهد یافت. بنابراین هدف طرح‌های تحقیق آمیخته آن است که شواهد بیشتری برای درک بهتر پدیده‌ها به‌دست دهند (۲).

جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه نظامی (۳۰۰۰ نفر) در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ بودند.

نمونه آماری

در مرحله اول تحقیق (تحقیق کمی) تعداد نمونه آماری با توجه به حجم جامعه و با استفاده از جدول مورگان ۳۴۱ نفر است که به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. از بین آنها ۳۳۶ پرسشنامه به‌درستی تکمیل و به‌عنوان نمونه تحقیق تحلیل شد. نمونه آماری تحقیق در مرحله دوم (تحقیق کیفی) ۲۰ نفر از دانشجویان بودند که برای انجام مصاحبه و کسب اطلاعات لازم و عمیق‌تر در خصوص موضوع مورد نظر به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. شایان ذکر است که در روش مصاحبه نمی‌توان از قبل مشخص کرد چه تعداد افراد باید در مطالعه ما انتخاب شوند تا پدیده مورد علاقه در مطالعه کیفی به‌طور کامل شناسایی شود. به‌طور ایده‌آل تا زمانی که جمع‌آوری اطلاعات ادامه می‌دهیم که به نقطه اشباع^۴ برسیم؛ جایی که داده‌های جدیداً جمع‌آوری‌شده با داده‌هایی که قبلاً جمع‌آوری کرده‌ایم، تفاوتی نداشته باشند و مثل هم شده باشند. تعداد نمونه‌های مورد نیاز برای انجام مصاحبه به هدف مطالعه بستگی دارد. در صورتی که هدف مطالعه آزمون فرضیات باشد، حداقل شش نمونه (سه نمونه از هر کدام از گروه‌های مورد مقایسه) مورد نیاز است. در صورتی که هدف از مصاحبه، اکتشاف و توصیف عقاید و نگرش‌های مصاحبه‌شوندگان باشد، با توجه به زمان و

1. Explanatory
2. Triangulation
3. Exploratory

مصاحبه‌های انجام‌گرفته سه مصاحبه به‌عنوان نمونه انتخاب شد و هر کدام از آنها در فاصله زمانی ۳۰ روزه دو بار کدگذاری شدند. سپس کدهای مشخص‌شده در دو فاصله زمانی برای هر کدام از مصاحبه‌ها با هم مقایسه شدند. در هر کدام از مصاحبه‌ها، کدهایی که در دو فاصله زمانی با هم مشابه بودند، با عنوان "توافق" و کدهای غیرمشابه با عنوان "عدم توافق" مشخص شدند. روش محاسبه پایایی بین کدگذاری‌های انجام‌گرفته توسط محقق در دو فاصله زمانی بدین ترتیب است:

$$\text{پایایی} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 2}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100\% = \text{درصد پایایی بازآزمون}$$

پایایی بازآزمون مصاحبه‌های انجام‌گرفته در این تحقیق با استفاده از فرمول ذکرشده، برابر ۷۸ درصد بود که نشان‌دهنده قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است (۲۴).

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کمی تحقیق با کمک نرم‌افزار آماری SPSS انجام گرفت، به‌طوری‌که از روش‌های آماری کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها و ضریب همبستگی اسپیرمن برای تعیین همبستگی بین متغیرها و از آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی هر یک از عوامل بازدارنده شرکت در فعالیت ورزشی استفاده شد. در بخش کیفی برای تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها، از روش کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده شد.

یافته‌های حاصل از تحقیق کمی

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که ۹۲ درصد دانشجویان ۲۱ تا ۲۵ ساله بودند که نشان‌دهنده حضور نیروهای جوان در این دانشگاه است. همچنین نتایج نشان داد که ۶۶/۷ درصد دانشجویان اذعان داشته‌اند که در

منابع قابل‌دسترس، تعداد 10 ± 15 نمونه برای انجام مصاحبه کافی خواهد بود (۲۴).

روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها

۱. مطالعات کتابخانه‌ای به‌منظور مرور ادبیات و پیشینه تحقیق
۲. روش‌های میدانی (پرسشنامه) برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از جامعه آماری
۳. روش مصاحبه به‌منظور دستیابی به اطلاعات عمیق‌تر و کاربردی‌تر

ابزار اندازه‌گیری

اطلاعات مورد نیاز این تحقیق از طریق پرسشنامه و مصاحبه به‌دست آمد. در قسمت اول پرسشنامه، اطلاعات جمعیت‌شناختی افراد و در قسمت دوم که دارای ۲۹ سؤال بسته بود، ۸ عامل بازدارنده فعالیت‌های ورزشی (وقت، علاقه فردی، پول، امکانات، روابط اجتماعی، کیفیت مدیریت، مهارت و آمادگی جسمانی) ارزیابی شد. برای تعیین روایی محتوایی این پرسشنامه‌ها از نظرهای ۱۰ تن از استادان مدیریت ورزشی کمک گرفته شد. سپس به‌منظور تعیین پایایی آنها، یک مطالعه مقدماتی بر روی ۳۳ نفر از اعضای جامعه انجام گرفت و ضریب پایایی آنها با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به‌دست آمد که حاکی از ثبات ابزار اندازه‌گیری است.

همچنین از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته برای پی بردن به اطلاعاتی دقیق، عمق و کاربردی‌تر استفاده شد. در طول طبقه‌بندی مصاحبه‌ها توجه به درصدهای گزارش‌شده توسط دو کدگذار، روشی برای تعیین پایایی تحلیل است. میزان (درصد) توافق درون‌موضوعی دو کدگذار (۶۰ درصد یا بیشتر) در مورد یک مصاحبه (کنترل تحلیل) نیز روشی برای پایایی تحلیل است (۲۴). در تحقیق کنونی از پایایی بازآزمون برای محاسبه پایایی مصاحبه‌ها استفاده شد. برای محاسبه این فاکتور از بین

و مابقی افراد در زمان فراغت خود به میزان خیلی کم در فعالیت‌های بدنی شرکت می‌کنند. از آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی عوامل بازدارنده استفاده شد.

فعالیت‌های ورزشی فوق‌برنامه شرکت نمی‌کنند و ۳۳/۳ درصد از آنها پاسخ دادند که در این برنامه‌ها شرکت می‌کنند. از بین این ۳۳ درصد (۱۱۲ نفر)، فقط ۲۶ درصد (۳۰ نفر) در طول هفته به‌طور منظم فعالیت ورزشی دارند

جدول ۱. مقایسه میانگین عوامل بازدارنده فعالیت‌های ورزشی در اوقات فراغت با استفاده از آزمون فریدمن

تعداد نمونه	۳۳۶
کای دو	۴۷۰/۴۱۷
درجه آزادی	۷
میزان معناداری	۰/۰۰۱

کرد که این رتبه‌بندی در جدول ۲ قابل مشاهده است.

از آنجا که بین میانگین‌ها تفاوت معنادار وجود دارد، در نتیجه می‌توان هر یک از عوامل بازدارنده را رتبه‌بندی

جدول ۲. رتبه‌بندی عوامل بازدارنده فعالیت‌های ورزشی در اوقات فراغت با استفاده از آزمون فریدمن

رتبه میانگین	عوامل بازدارنده
۶/۴۵	زمان
۵/۹۴	مهارت
۵/۸۳	علاقه فردی
۵/۸۱	سطح آمادگی جسمانی
۵/۱۵	توزیع امکانات
۴/۶۳	کیفیت مدیریت
۴/۱۲	جایگاه اقتصادی
۳/۹۷	روابط اجتماعی

متغیرها توزیع نرمال نداشتند، برای تعیین ارتباط بین عوامل بازدارنده و میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، عوامل براساس میزان بازدارندگی عبارت‌اند از: زمان، مهارت، علاقه فردی، سطح آمادگی جسمانی، توزیع امکانات، کیفیت مدیریت، جایگاه اقتصادی و روابط اجتماعی. با توجه به اینکه هیچ‌یک از

جدول ۳. ارتباط بین عوامل بازدارنده و میزان شرکت دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی-تفریحی

متغیرهای پیش‌بین	ضریب همبستگی (r)	سطح معناداری
زمان	۰/۴۰	۰/۰۳
علاقه فردی	۰/۳۲	۰/۰۱
جایگاه اقتصادی	۰/۱۳۴	۰/۰۲۶
توزیع امکانات	۰/۰۸۸	۰/۱۴۸
روابط اجتماعی	۰/۱۶۹	۰/۰۵
کیفیت مدیریت	۰/۰۳۶	۰/۵۵۴
مهارت	۰/۰۸۵	۰/۱۵۵
آمادگی جسمانی	-۰/۱۵۱	۰/۰۱۳

این عوامل ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند که در ادامه به تشریح آنها خواهیم پرداخت.

جدول ۴، نتایج کدگذاری گزینشی، محوری و باز عوامل فردی و سازمانی مؤثر در عدم شرکت حداکثری دانشجویان در فعالیت‌های فوق‌برنامه ورزشی را نشان می‌دهد که در مجموع ۲ کد گزینشی، ۵ کد محوری و ۱۳ کد باز به‌دست آمده است.

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود بین عوامل بازدارنده زمان، علاقه فردی، جایگاه اقتصادی و روابط اجتماعی با میزان مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی رابطه مثبت و معنادار و با آمادگی جسمانی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. اما متغیرهای مهارت، کیفیت مدیریت و توزیع امکانات رابطه معناداری را با میزان مشارکت نشان ندادند.

یافته‌های حاصل از تحقیق کیفی

پس از جمع‌آوری داده‌های تحقیق از طریق مصاحبه از فرایند کدگذاری برای تحلیل آنها استفاده شد. کدگذاری فرایندی است که طی آن مجموعه‌ای داده متنی و پراکنده به داده‌هایی با معن و مفهوم تبدیل می‌شود. این امر معمولاً با مشخص کردن مقوله‌های کدگذاری باز^۱ شروع و با کدگذاری محوری^۲ و در نهایت کدگذاری گزینشی^۳ ادامه می‌یابد (۲).

کدگذاری گزینشی، محوری و باز عوامل فردی و

سازمانی

عوامل شناسایی و استخراج‌شده از داده‌های گردآوری‌شده در جدول ۴ دسته‌بندی شده‌اند. برخی از

1. Open Coding
2. Axial Coding
3. Selective Coding

جدول ۴. کدگذاری گزینشی، محوری و باز عوامل فردی و سازمانی مؤثر در عدم شرکت حداکثری دانشجویان در

فعالیت‌های فوق‌برنامه ورزشی

مفهوم کدگذاری گزینشی	مفاهیم کدگذاری محوری	مفاهیم کدگذاری باز	کد افراد
	خستگی مفرط	خستگی جسمانی خستگی ذهنی	P4, p9, p10, p13, p14, p20, p16, p17
موانع فردی	علاقه و انگیزه	اجباری بودن بی‌توجهی به نیازهای دانشجویان	P7, p15, p16, p4, p6, p8, p12, p13, p18, p19, p20
	هزینه	هزینه مشارکت	P19, p8, p 18
	کمبود امکانات	پایین بودن سرانه امکانات و تجهیزات	P1, p3, p4, p9, p10, p13, p16, p17, p18, p15, p8, p19
موانع سازمانی	مدیریتی	کمبود مربی فشرده‌گی برنامه آموزشی نامناسب بودن زمان فوق‌برنامه فقدان کلاس آموزشی متنوع نبودن فعالیت‌ها بی‌توجهی مسئولان به ورزش اطلاع‌رسانی	P1, p2, p3, p4, p5, p6, p7, p8, p9, p10, p11, p12, p13, p14, p15, p16, p17, p18, p19, p20

بحث و بررسی

ناشی از کلاس‌ها، زمان کمی برای ورزش کردن و مشارکت در فعالیت‌های ورزشی داشتند. در بخش کیفی نیز ملاحظه شد که اغلب افراد به فشرده‌گی برنامه آموزشی به‌عنوان یکی از موانع مهم برای مشارکت در فعالیت‌های بدنی اشاره کرده‌اند. برای مثال، شرکت‌کننده ششم اذعان داشته است که: «چون اوقات فراغت ما خیلی کمه حتی فرصت درس خوندن ما طوری نیست که بتوانیم همه درس‌ها رو بخونیم، می‌تونم بگم برنامه آموزشی فشرده‌اس و وقتی برای ورزش باقی نمی‌مونه (P۶)». همچنین فرد سوم بیان کرده است که: «چون از اول بامداد برنامه آموزشی ما به‌صورت فشرده است و تا شب ادامه داره، هیچ فعالیت دیگه‌ای نمی‌توانیم انجام بدیم (P۳)».

به اعتقاد بیشتر افراد مورد تحقیق، فشرده و طولانی بودن زمان برنامه آموزشی سبب می‌شود تا دانشجویان وقت فراغت محدودی داشته باشند که آن هم اغلب صرف استراحت و امور شخصی می‌شود و زمان و انرژی برای پرداختن به ورزش در آنها باقی نمی‌ماند. فشرده‌گی

براساس آزمون فریدمن عامل زمان از نظر میزان اهمیت بازدارندگی دانشجویان از انجام فعالیت‌های ورزشی در زمان اوقات فراغتشان در رتبه اول قرار دارد، بدان معناست که این عامل از بازدارندگی بالایی برخوردار است و عامل محدودیت زمان، مانع حضور دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی می‌شود. همچنین همبستگی معناداری بین عامل بازدارنده زمان و میزان شرکت دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی مشاهده شد. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات اتقیاء (۱۳۸۷)، رحمانی و همکاران (۱۳۸۵)، غفوری (۱۳۸۶)، معتمدین و همکاران (۱۳۸۸)، عزیزی و همکاران (۱۳۹۰)، داسکاپان، توزون و اکر (۲۰۰۶)، لرنر و همکاران (۲۰۰۹) همسو بود. باید توجه داشت که دانشجویان مورد تحقیق در یک دانشگاه نظامی مشغول به تحصیل بودند و دانشجوی تمام‌وقت به‌حساب می‌آمدند و برنامه درسی آنها به‌گونه‌ای تنظیم شده بود که در پایان روز به‌دلیل مشغله درسی و خستگی

آن در ساعات گرم روز بوده است و دیگر اینکه محتوای برنامه فقط دربرگیرنده فعالیت‌های تکراری (دویدن و انجام حرکات کششی) است. به‌طور مثال شرکت‌کننده بیستم بیان کرده است: «دویدن‌های بی‌موقع در میدان صبحگاه که سربالایی داره خیلی مشقت آور و سخته (P۲۰)». این نشان می‌دهد انجام فعالیت‌های تکراری و آن هم در ساعات نامناسب برای دانشجویان لذتی دربر ندارد و موجب ایجاد نگرش منفی نسبت به ورزش می‌شود که تأثیر مخربی بر انگیزه دانشجویان خواهد داشت. در همین زمینه، به اعتقاد برخی مصاحبه‌شوندگان خستگی جسمانی مانع مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های فوق‌برنامه شده است. به‌طور مثال، مصاحبه‌شونده چهاردهم و نهم اعتقاد دارند: «خستگی و نبود حوصله مانع استفاده بیشتر از سالن‌ها می‌شه (P۱۴)». «چون خستگی زیاد فکری که به‌خاطر محتوای زیاد برنامه‌های دانشگاه برای ما به‌وجود می‌آد انرژی جسمانی ما را هم می‌گیره (P۹)». به نظر پاسخ‌دهندگان یکی از عواملی که مانع حضور آنها در فعالیت‌های فوق‌برنامه می‌شود، خستگی مفرط جسمانی و ذهنی پس از اتمام کلاس‌های آموزشی دانشگاه است. اگرچه ممکن است دانشجویان ورزش و فعالیت بدنی را بپذیرند و به‌عنوان رفتاری مطلوب قبول کنند، ولی ممکن است در طول زندگی روزمره به‌دلیل نداشتن انرژی لازم و خستگی از انجام آن خودداری ورزند. پذیرش فعالیت بدنی و ورزش باید همراه با انجام و ادامه آن برای کسب نتایج سودمند باشد.

یافته‌ها نشان داد عامل مهارت از نظر میزان اهمیت در رتبه دوم قرار دارد. پس این عامل از سطح بازدارندگی نسبتاً بالایی در بین دانشجویان برخوردار است؛ اما بین ضعف مهارت و میزان شرکت دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی رابطه معناداری وجود نداشت. پس نداشتن مهارت لازم تأثیری بر میزان شرکت دانشجویان در فعالیت‌های

کلاس‌ها عامل بازدارنده مهمی است، زیرا می‌تواند موجب ایجاد یا تشدید برخی موانع دیگر مانند خستگی مفرط شود. به‌طور مثال شرکت‌کننده سیزدهم بیان کرده است: «قبلاً که زمان اتمام کلاس‌ها ساعت ۴ بعدازظهر بود وقت داشتم و شرکت می‌کردم و سالن‌های ورزشی هم خیلی شلوغ می‌شد، اما الان شرکت نمی‌کنم چون وقت ندارم (P۱۳)». این نشان می‌دهد چنانچه کلاس‌های آموزشی کمی زودتر تعطیل شود، افراد وقت و انرژی کافی برای شرکت کردن در فعالیت‌های فوق‌برنامه را خواهند داشت و استقبال خواهند کرد. از مسائلی که توسط نمونه آماری به آن اشاره کرده‌اند، نامناسب بودن زمان فوق‌برنامه است. به‌طوری‌که شرکت‌کننده هفتم اشاره کرده است: «اصولاً به این دلیل نمی‌تونیم در برنامه‌های ورزشی شرکت کنیم که برنامه‌ریزی کلی که وجود داره ضعیف بوده و زمان بسیار کمی برای این برنامه‌ها اختصاص می‌دند؛ مثلاً زمانی که ما از برنامه‌های دانشگاه به خوابگاه برمی‌گردیم این‌قدر خسته‌ایم و همچنین دیر وقته مثلاً ساعت ۸ شب که دیگه زمان کافی نداریم (P۷)». شرکت‌کننده چهارم بیان کرده است: «ورزش کردن نیاز به وقت و زمان مناسب دارد. اتفاقاً ورزشکار رزمی هستم ولی چون موقعیت در دانشگاه فراهم نیست ادامه ندادم. جالبه هزینه‌های بسیار هنگفتی روی ابزار و وسایل ورزشی شده ولی اصلاً وقت برای استفاده از آنها فراهم نیست (P۴)». همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بعضی افراد به‌دلیل نامناسب بودن زمان فوق‌برنامه از شرکت کردن در آن خودداری می‌کنند. البته این عامل تحت تأثیر عامل قبل (فشرده‌گی برنامه آموزشی) قرار دارد و تا برنامه آموزشی به اتمام نرسد، مسئولان فوق‌برنامه قادر نخواهند بود فعالیت‌های خود را آغاز کنند. البته شایان ذکر است که ساعاتی به‌عنوان زمان ورزش در برنامه آموزشی وجود دارد، ولیکن براساس اظهارات نمونه تحقیق دو مشکل شناسایی شده است، یکی اینکه زمان

ورزشی ندارد. یافته‌های تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات داسکاپان، توزون و اکر (۲۰۰۶)، آلدنر، کابرن و فوستر (۲۰۰۶) همسوست، اما با نتایج رحمانی و همکاران (۱۳۸۵)، غفوری (۱۳۸۶)، معتمدین و همکاران (۱۳۸۸)، عزیزی و همکاران (۱۳۹۰)، لرنر، بارنز و دی‌رویسته (۲۰۰۹)، مغایرت دارد. همسو نبودن نتایج ممکن است به دلیل تفاوت در جامعه آماری باشد، به این صورت که نمونه برخی از این تحقیقات را دانشجویان دختر یا دانشجویان پسر در دانشگاه‌های غیرنظامی تشکیل داده‌اند. این یافته را می‌توان این‌گونه توجیه کرد که دانشجویان حتی اگر از سطح مهارت کمی برخوردارند، ولی باز در فعالیت‌ها شرکت می‌کنند و انگیزه زیادی برای یادگیری دارند. در این زمینه یافته‌های بخش کیفی تحقیق نشان داد که نبود کلاس‌های آموزشی نیز از موانع مشارکت در فعالیت بدنی است. به‌طور مثال شرکت‌کننده نهم بیان کرده است: «با اینکه یادگیری شنا برای هر فرد مسلمان واجب، اما در استخر مربی حضور نداره (P۹)». فرد پانزدهم بیان کرده است که: «اگر ورزش‌ها به‌طور تخصصی پیگیری بشه بهتره، مثلاً به‌جای اینکه از استخر فقط استفاده تفریحی بشه، کلاس‌های آموزش شنا برگزار شه چون تقریباً اکثر دانشجو دانشگاه شنا را یاد ندارند (P۱۵)». همچنین فرد هفدهم بیان کرده است که: «بیشترین نیازی که یک فرد نظامی به لحاظ ورزشی داره آمادگی جسمانی و شناسست که باید دانشگاه در جهت آموزش آن اقدام کنه (P۱۷)». همان‌طور که از اظهارات افراد مشخص است، اغلب علاقه‌مند به ورزش شنا و همچنین دیگر ورزش‌های تخصصی بوده و خواستار برگزاری کلاس‌های آموزشی و فراگرفتن آن‌اند.

عامل بازدارنده دیگری که در قسمت کمبود امکانات توسط نمونه تحقیق به آن اشاره شده، کمبود مربی است که می‌توان آن را کمبود نیروی انسانی متخصص نام نهاد.

برای مثال فرد سیزدهم بیان کرده است: «مهارت کافی برای شنا کردن ندارم و مربی برای آموزش دادن وجود نداره (P۱۳)». همچنین فرد هشتم بیان کرده است که: «نداشتن برنامه و مربی حرفه‌ای برای دانشجویان یک معضله (P۸)». همان‌طور که از این یافته‌ها استنباط می‌شود، نداشتن مهارت و فقدان افرادی (مربی) در فوق‌برنامه که این نقیصه را برطرف کنند، سبب می‌شود تا افراد از مشارکت خود لذتی نبرند و برای مشارکت بیشتر و مستمر در درون خود هدفی از قبل تعیین شده را که دارای نقش انگیزشی است، احساس نکنند.

عامل علاقه از نظر میزان اهمیت بازدارندگی دارای رتبه سوم بود و با میزان شرکت دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی رابطه مثبت و معناداری داشت. پس با بالا رفتن میزان علاقه دانشجویان، میزان مشارکت آنها در فعالیت‌های ورزشی نیز افزایش خواهد یافت. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات رحمانی و همکاران (۱۳۸۵)، غفوری (۱۳۸۶)، معتمدین و همکاران (۱۳۸۸)، عزیزی و همکاران (۱۳۹۰) و لرنر، بارنز و دی‌رویسته (۲۰۰۹) همسوست، ولی با نتایج تحقیقات داسکاپان، توزون و اکر (۲۰۰۶)، لول، ال‌انصاری و پارکر (۲۰۱۰) مغایر است. علت این عدم همخوانی را می‌توان متفاوت بودن شرایط اجتماعی و فرهنگی نمونه‌های تحقیق ذکر کرد.

لازمه مشارکت دانشجویان در فعالیت بدنی فوق‌برنامه وجود علاقه، رغبت و انگیزه در آنان است. از این‌رو، بیشتر شرکت‌کنندگان اعتقاد داشتند چنانچه به نیاز دانشجویان توجه شود و فعالیت‌های متنوعی برای انتخاب ارائه شود و از حالت اجباری بودن خارج شود، مشارکت بیشتر خواهد شد. برای مثال، شرکت‌کننده هفتم بیان می‌کند: «بیشترین وقت دانشجویان این دانشگاه نظامی صرف فعالیت‌های نظامی و رزمی و برنامه‌های پیش‌بینی شده می‌شه (P۷)». همچنین شرکت‌کننده بیستم اعتقاد دارد:

«خستگی حاصل از کارهای زیاد دانشگاهی باعث کسالت و عدم رغبت به ورزش می‌شود (P۲۰)». از این یافته‌ها برداشت می‌شود که تأکید زیاد مسئولان بر رشته‌های رزمی و از قبل تعیین‌شده (اجباری) و همچنین توجه کم به فعالیت‌های متنوع، تیمی و توپی که شور و هیجان در آنها زیاد است، از عوامل مهمی است که موجب عدم رغبت دانشجویان شده است. از طرف دیگر، عامل خستگی جسمانی و ذهنی که در قسمت پیش به آن اشاره شد نیز از جمله عوامل تأثیرگذار بر علاقه و رغبت دانشجویان است. از این‌رو، تنوع‌بخشی و مطابق نمودن فعالیت‌های ورزشی با علاقه و نیاز دانشجویان، چالشی ساختن و لذت‌بخش کردن فعالیت‌ها از طریق برگزاری رویدادها و مسابقات مختلف به‌عنوان پاداش‌های درونی و ارائه انواع پاداش‌های بیرونی مانند مرخصی تشویقی و ... می‌تواند مفید و کارساز باشد.

به اعتقاد برخی از مصاحبه‌شوندگان آزادی انتخاب در ورود به ورزش و همچنین آزادی در انتخاب نوع ورزش می‌تواند بر ادامه حضور فرد در آن ورزش تأثیر گذارد. برای مثال، سیزدهمین مصاحبه‌شونده عنوان می‌کند: «اگر فرد در انتخاب نوع ورزشی که در زمان فراغت می‌خواد به اون بپردازد آزاد باشه، هم از لذت می‌بره و هم موجب رضایتش می‌شه چون خودش انتخاب کرده (P۱۳)».

یافته‌ها نشان داد عامل آمادگی جسمانی از نظر میزان اهمیت بازدارندگی دارای رتبه چهارم است و با میزان شرکت دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی رابطه منفی و معناداری دارد. یافته‌های تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات رحمانی و همکاران (۱۳۸۵)، بخشنده (۱۳۸۷)، معتمدین و همکاران (۱۳۸۸)، آلتندر، کابرن و فوستر (۲۰۰۶)، لرنر، بارنز و دی‌رویسته (۲۰۰۹) همسوست. پس می‌توان گفت هرچه دانشجویی از سطح سلامتی و آمادگی جسمانی پایین‌تری برخوردار باشد، تلاش بیشتری برای شرکت در

فعالیت‌های ورزشی می‌کند تا ضعف خود را جبران کند. همچنین یافته‌ها نشان داد کمبود امکانات ورزشی از نظر میزان اهمیت بازدارندگی دارای رتبه پنجم بود، اما با میزان شرکت دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی رابطه معناداری نشان نداد. یافته‌های این تحقیق با نتایج تحقیقات رحمانی و همکاران (۱۳۸۵)، غفوری (۱۳۸۶)، معتمدین و همکاران (۱۳۸۸)، عزیزی و همکاران (۱۳۹۰)، داسکاپان، توزون و اکر (۲۰۰۶)، لرنر، بارنز و دی‌رویسته (۲۰۰۹) همسو بود. اگرچه یافته‌های بیشتر تحقیقات به این نکته اشاره دارند که یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده کمبود امکانات ورزشی است، در این تحقیق ارتباط معناداری با میزان مشارکت نشان نداد. این نشان می‌دهد که دانشجویان از امکانات مکفی در دانشگاه برخوردارند و چنانچه تصمیم به ورزش کردن بگیرند، در کمترین فضا نیز به آن می‌پردازند و نمی‌تواند از شرکت آنها به‌طور کامل جلوگیری کند. به اعتقاد برخی از مصاحبه‌شوندگان، برای اینکه افراد بتوانند ورزش کنند، باید زیرساخت‌ها و امکانات لازم برای آن از قبل فراهم شود. اگرچه اغلب معتقد بودند که امکانات متعدد و مناسبی در دانشگاه وجود دارد، اما اذعان داشتند که این امکانات جوابگوی تعداد افراد استفاده‌کننده نیست. در واقع سرانه اماکن در دانشگاه کم است. برای مثال، نهمین شرکت‌کننده بیان کرده است: «امکانات ورزشی نسبت به تعداد افراد شرکت‌کننده کمه (P۹)». همچنین فرد شانزدهم بیان کرده است: «امکانات تقریباً کمه، سالن ورزشی مناسبه اما تایم زیادی را به ما اختصاص نمی‌دند (P۱۶)». همان‌طور که ملاحظه می‌شود دو نفر اول به پایین بودن سرانه فضای ورزشی اشاره کرده‌اند، ولی نفر سوم به کم بودن زمان اختصاص‌یافته به دانشجویان اشاره کرده است؛ بنابراین این موضوع را می‌توان از دو جنبه موردبررسی قرار داد یکی کم بودن سرانه ورزشی از نظر

مکانی و یکی از نظر زمانی. هر دو مورد باعث تأثیر منفی بر مشارکت دانشجویان می‌شود.

عامل کیفیت مدیریت از نظر میزان اهمیت بازدارندگی در رتبه ششم و از سطح بازدارندگی پایینی برخوردار است و با میزان شرکت دانشجویان در فعالیتهای ورزشی رابطه معناداری ندارد. یافته‌های تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات رحمانی (۱۳۸۵)، غفوری (۱۳۸۶)، برادزینسکی و ایبن (۲۰۱۰)، لول، ال‌انصاری و پارکر (۲۰۱۰)، الگیلانی و همکاران (۲۰۱۱) همسو نبود. اگرچه کیفیت مدیریت از عوامل مؤثر بر مشارکت دانشجویان است، در مقایسه با عوامل دیگر اهمیت کمتری دارد. این یافته ممکن است به این دلیل باشد که در دانشگاه‌ها رابطه نزدیکی بین مسئولان فوق‌برنامه و دانشجویان وجود دارد، این عامل سبب می‌شود نیازهای دانشجویان تا حدودی توسط مسئولان مربوط شناسایی و به رفع آنها اقدام شود. اگر در تدوین و پیاده کردن برنامه‌های ورزشی، نیازسنجی و نظرسنجی صورت نگیرد و کاملاً یکطرفه انجام پذیرد، سبب می‌شود دانشجویان احساس کنند که مسئولان به ورزش ارزش و بها نمی‌دهند. برخی شرکت‌کنندگان اطلاع‌رسانی در زمینه برنامه‌های ورزشی را ضعیف ارزیابی کرده و دلیل عدم شرکت خود را نداشتن اطلاع دقیق گزارش کرده‌اند. به‌طور مثال شرکت‌کننده شماره هفده بیان کرده است که: «دلیل عدم شرکت من بی‌اطلاعی از فواید ورزش‌های مختلف بر روی مکانیزم بدنه (P۱۷)». فرد نوزدهم «تبلیغ نکردن (P۱۹)» و فرد یکم «عدم اعلام برنامه‌های ورزشی خاص توسط معاونت تربیت بدنی (P۱)» را از دلایل عدم شرکت خود ذکر کرده‌اند. با تحلیل موارد ذکرشده توسط نمونه تحقیق، می‌توان به دو مورد اساسی در زمینه اطلاع‌رسانی یعنی بی‌اطلاعی دانشجویان از نقش و تأثیرات ورزش بر سیستم‌های

مختلف بدن انسان و همچنین بی‌اطلاعی از زمان و مکان فعالیت‌های فوق‌برنامه اشاره کرد.

یافته‌ها نشان داد عامل جایگاه اقتصادی از نظر میزان اهمیت بازدارندگی در رتبه هفتم قرار دارد و با میزان شرکت دانشجویان در فعالیتهای ورزشی رابطه مستقیمی داشت. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیقات غفوری (۱۳۸۶) همسوست، ولی با نتایج رحمانی و همکاران (۱۳۸۵) مغایرت دارد. این نشان می‌دهد که کمبود بودجه و پول از عوامل اصلی بازدارندگی شرکت دانشجویان در فعالیتهای ورزشی است. از نظر تعداد محدودی از نمونه آماری تحقیق، هزینه مشارکت از جمله عوامل بازدارنده است. اگرچه افراد در دوران دانشجویی خود بورسیه‌اند و حقوق دریافت می‌کنند و بابت استفاده از اماکن ورزشی مبلغ ناچیزی (مثلاً بلیت ۵۰۰ تومانی برای استفاده از استخر) می‌پردازند، برخی دانشجویان انتظار استفاده رایگان از این اماکن را دارند و این عامل را بازدارنده تلقی می‌کنند. برای مثال، نوزدهمین شرکت‌کننده یکی از دلایل عدم شرکت را «پولی بودن بعضی از رشته‌ها (P۱۹)» عنوان می‌کند. در همین زمینه در پیشنهاد‌های دانشجوی ششم آمده است که: «ورزش به‌صورت رایگان باشد (P۶)». اگرچه هزینه‌های دریافتی از دانشجویان اندک است (مثل استخر)، اما به‌نظر می‌رسد پرداخت این هزینه برای برخی دانشجویان حداقل از نظر روانی مشکل است و تأثیر بازدارنده دارد و از آنجا که دانشجویان بورسیه هستند، انتظار رایگان بودن کلیه امکانات را دارند. عامل روابط و محدودیت‌های اجتماعی از نظر میزان اهمیت بازدارندگی دانشجویان در رتبه هشتم قرار داشت و با میزان شرکت دانشجویان در فعالیتهای ورزشی رابطه معناداری نشان داد. می‌توان گفت که روابط و محدودیت‌های اجتماعی - فرهنگی برای دانشجویان یک عامل بازدارنده است و دانشجویانی که از روابط اجتماعی

سراغه امکانات و تجهیزات، کیفیت مدیریت (متنوع نبودن فعالیت‌ها، بی‌توجهی مسئولان به ورزش و...) و هزینه مشارکت اشاره کرده‌اند، اما به مسئله روابط اجتماعی اشاره‌ای نشده است، البته این عامل در تحقیق کمی نیز در رتبه آخر واقع شده و به‌عنوان بازدارنده ضعیف معرفی شده بود. با توجه به یافته‌های تحقیق در ابتدای امر می‌توان به مسئولان ورزش دانشگاه پیشنهاد کرد طی مکاتباتی، مسئولان حوزه معاونت آموزشی را از فشرده‌گی و طولانی بودن ساعات کلاس‌های درس دانشجویان مطلع کنند و از آنها درخواست شود این برنامه‌ریزی به‌گونه‌ای انجام پذیرد که زمان و انرژی لازم برای پرداختن دانشجویان به فعالیت فوق‌برنامه ورزشی باقی بماند. چنانچه به نیاز دانشجویان توجه شود و فعالیت‌های متنوعی برای انتخاب ارائه و از حالت اجباری بودن خارج شود، مشارکت بیشتر خواهد شد. البته شایان ذکر است که ممکن است بعضی از رشته‌های ورزشی و به‌تبع آن اماکن ورزشی مربوطه در فصول خاصی از سال دارای متقاضی زیاد (مثل استخر در ایام تابستان) و برخی از رشته‌ها دارای متقاضی کمتری باشد، در این‌گونه موارد مسئولان مربوط باید از بازاریابی تعدیلی برای کاهش تقاضا برای ورزش‌های پرطرفدار و افزایش تقاضا برای رشته‌های کم متقاضی استفاده کنند تا از این طریق بتوانند امکان استفاده بهینه از کلیه امکانات را فراهم سازند. در واقع مسئولان با تعدیل کردن کمیت افراد مراجعه‌کننده می‌توانند به کمیت و کیفیت خدمات ارائه‌شده خود بیفزایند و موجبات رضایت‌مندی و همچنین مشارکت هرچه بیشتر دانشجویان را فراهم سازند تا شاهد نهادینه شدن فعالیت بدنی و ورزش در وجود دانشجویان و در نهایت جامعه باشیم.

پایین‌تری برخوردار بودند و قیدوبندهای اجتماعی- فرهنگی برای آنها مهم تلقی می‌شد، کمتر در فعالیت‌های ورزشی شرکت می‌کردند. داشتن روابط اجتماعی قوی و یافتن یک شریک تمرینی در ورزش عامل انگیزشی و مهم به‌حساب می‌آید، به‌طوری‌که نبود آن سبب می‌شود فعالیت پس از مدت کمی متوقف شود.

جمع‌بندی نتایج تحقیق کمی و کیفی

در پژوهش حاضر، بخش اعظمی از نتایج به‌دست‌آمده در تحقیق کمی، توسط نتایج تحقیق کیفی تأیید شد، ضمن اینکه چرایی آنها به‌طور دقیق، عمیق و کاربردی‌تر بررسی شد. در تحقیق کمی مشاهده شد که از نظر دانشجویان سه عامل زمان، مهارت و علاقه فردی از سطح بازدارندگی بالایی برخوردار است. همچنین براساس آزمون همبستگی دیده شد که این عوامل به‌عنوان موانعی برای حضور دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی مطرح بودند و رابطه معناداری بین این عوامل و میزان شرکت دانشجویان در ورزش به‌دست آمد. در همین زمینه نتایج در بخش کیفی نیز نشان داد که دانشجویان به عامل زمان (فشرده‌گی برنامه آموزشی و نامناسب بودن زمان فوق‌برنامه)، مهارت (فقدان کلاس آموزشی و کمبود مربی) و علاقه و انگیزه (اجباری بودن و بی‌توجهی به نیاز و سلیقه دانشجویان) اشاره کرده‌اند. بنابر یافته‌ها در تحقیق کمی و تأیید آن توسط نتایج تحقیق کیفی، می‌توان گفت که سه عامل ذکرشده به‌عنوان بازدارنده و مانعی برای حضور دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی مطرح‌اند. موانع دیگر (آمادگی جسمانی، امکانات و تجهیزات ورزشی، کیفیت مدیریت، مسئله اقتصادی و روابط اجتماعی) در تحقیق کمی در رتبه چهارم به بعد قرار گرفتند. در همین زمینه نتایج تحقیق کیفی نیز نشان داد که دانشجویان به عوامل وضعیت جسمانی (خستگی مفرط)، پایین بودن

منابع و مآخذ

۱. اتقیاء، ناهید (۱۳۸۷). «نیازسنجی ورزشی بانوان شاغل در دانشگاه الزهرا و ارائه راهکارهای کاربردی»، نشریه علوم حرکتی و ورزش، ۱ (۱۱)، ص ۹۶-۷۹.
۲. بازرگان، عباس (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته، رویکردهای متداول در علوم رفتاری، چ اول، تهران: نشر دیدار، ص ۱۸۴.
۳. بخشنده، محمد (۱۳۸۷). ارتباط شرکت در فعالیت‌های ورزشی اوقات فراغت و کیفیت زندگی در افراد فعال میانسال، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه شمال، چکیده.
۴. حیدری چروده، مجید (۱۳۸۸). نیازسنجی شهروندان تهرانی به ورزش همگانی: به تفکیک سن، جنس، منطقه، فضا و زمان، طرح پژوهشی، دفتر مطالعات فرهنگی و اجتماعی: شهرداری تهران، چکیده.
۵. رحمانی، احمد؛ بخشی‌نیا، طیبیه؛ قوامی، سید سعید (۱۳۸۵). «نقش ورزش در گذراندن اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تاکستان»، پژوهش در علوم ورزشی، ش ۱۲، ص ۵۰-۳۳.
۶. رحمانی، احمد؛ پوررنجبر، محمد؛ بخشی‌نیا، طیبیه (۱۳۸۵). «بررسی و مقایسه نحوه گذراندن اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه‌های زنجان با تأکید بر نقش تربیت بدنی و ورزش»، مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، ۵ (۳)، ص ۲۱۶-۲۰۹.
۷. زاکانی، احمد؛ شجاع‌الدین، سید صدرالدین؛ زاکانی، زهره (۱۳۹۰). «تعیین جایگاه فعالیت‌های ورزشی در نحوه گذراندن اوقات فراغت دانشجویان دانشکده علوم اقتصادی و تعیین ارتباط آن با برخی از عوامل اثرگذار»، پژوهش در علوم ورزشی، ش ۲۷، ص ۱۵۷-۱۳۸.
۸. صابونچی، رضا (۱۳۸۰). بررسی وضعیت آموزشی-پژوهشی دوره‌های کارشناسی ارشد تربیت بدنی از دیدگاه دانشجویان این مقطع به‌منظور رشد و توسعه منابع انسانی، اولین کنگره بین‌المللی تربیت بدنی و ورزش دانش آموزان دختر، اداره کل تربیت بدنی دختران وزارت آموزش و پرورش، ص ۴۸-۴۵.
۹. صفری شالی، رضا (۱۳۸۰). تأثیر و جایگاه مشارکت مردمی در تربیت بدنی و ورزش دانش‌آموزان، مجموعه مقالات اولین کنگره علمی بین‌المللی تربیت بدنی و ورزش دانش‌آموزان دختر، اداره کل تربیت بدنی دختران وزارت آموزش و پرورش، ص ۳۳-۳۰.
۱۰. عزیزی، بیستون؛ جلالی فراهانی، مجید؛ خبیری، محمد (۱۳۹۰). «بررسی نگرش دانشجویان ساکن خوابگاه‌های دانشگاه تهران به ورزش همگانی»، مدیریت ورزشی، ش ۸، ص ۹۱-۷۵.
۱۱. غفوری، فرزاد، (۱۳۸۶). مطالعه انواع ورزش‌های همگانی و تفریحات مطلوب جامعه و ارائه مدل برای برنامه‌ریزی‌های آینده، طرح پژوهشی، پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، چکیده.
۱۲. قائمی، علی (۱۳۸۰). «ورزش دختران و بانوان در اسلام»، زیور ورزش، ش ۱۱، ص ۳۰-۲۵.
۱۳. گودرزی محمود؛ اسدی، حسن (۱۳۷۹). «تحلیل میزان و نوع فعالیت‌های فراغتی و ورزشی استادان دانشگاه تهران»، حرکت، ۴، ص ۳۱-۲۶.

۱۴. معتمدین، مختار؛ مددی، بهمن؛ عسکریان، فریبا (۱۳۸۸). «توصیف عوامل گرایش یا عدم گرایش شهروندان

تبریزی به ورزش همگانی»، پژوهش در علوم ورزشی، ش ۲۳، ص ۹۸-۷۵.

۱۵. ممتازبخش، مریم؛ فکور، یوسف (۱۳۸۶). «بررسی راهکارهای توسعه ورزش همگانی بانوان دانشگاه علوم

انتظامی»، فصلنامه دانش انتظامی، ش ۲، ص ۶۲-۵۳.

16. Allender, S; Cowburn, G; Foster, C. (2006). Understanding participation in sport and physical activity among children and adults: a review of qualitative studies. *Health Education Research*. 21(6): 826-835.
17. Asihel SG. (2005). Perceptions of Constraints to Recreational Sports Participation: A Case Study of the University of the Western Cape (UWC) Undergraduate Female Students. Unpublished master's thesis. University of the Western Cape (UWC): South Africa. Pp: 150.
18. Brudzynski, L; Ebben, W. (2010). Body Image as a Motivator and Barrier to Exercise Participation. *International Journal of Exercise Science*. 3(1): 14-24.
19. Chiu, L.K. (2009). University Students' Attitude, Self-Efficacy and Motivation Regarding Leisure Time Physical Participation. *Jurnal Pendidik dan Pendidikan*. 24: 1-15.
20. Daskapan, A; Tuzun, E.H; Eker, L. (2006). Perceived barriers to physical activity in university students. *Journal of Sports Science and Medicine*. 5. 615-620.
21. El-Gilany, A. H; Badawi, K; El-Khawaga, G; Awadalla, N. (2011). Physical activity profile of students in Mansoura University, Egypt. *Eastern Mediterranean Health Journal*. 17(8): 694-702.
22. Gomez-Lopez, M; Gallegos, AG; & Exteremera, AB. (2010). Perceived barriers by university students in the practice of physical activities. *Journal of Sports Science and Medicine*. 9: 374-81
23. Haskell, W. L; Lee, I. M; Pate, R. R; Powell, K. E; Blair, S. N; Franklin, B. A., ... Bauman, A. (2007). Physical activity and public health: Updated recommendation for adults from the American College of Sports Medicine and the American Heart Association. *Circulation*, 116(9): 1081-1093.
24. Kvale, S. (1996). *Interviews: An Introduction to qualitative research interviewing*. Thousand Oaks, CA: Sage. pp: 145.
25. Lerner, J; Burns, C; & DeRoiste, A. (2009). Correlates of Physical Activity among College Students. *Recreational sports journals*. 35(2): 95-106.
26. Liu, J. D; Chung, p. K; & Chen, W. P. (2014). Constraints of recreational sport participation: measurement invariance and latent mean differences across sex and physical activity status. *Perceptual & Motor Skills: Exercise & Sport*, 119 (2): 363-376.
27. Lovell, Geoff P; El Ansari, Walid; Parker, J. K. (2010). "Perceived Exercise Benefits and Barriers of Non-Exercising Female University Students in the United Kingdom." *Int. J. Environ. Res. Public Health* 7, no. 3: 784-798.
28. Rojek, C; Shaw, S. M; & Veal, A. J. (2006). "A Handbook of Leisure Studies", London, Palgrave, pp: 210.

29. Tumusiime, D.K. (2004). Perceived benefits of, barrier and helpful cues to physical activity among tertiary institution students in Rwanda. Thesis of Master of Science degree in Physiotherapy. University of Western Cape, abstract.
30. World Health Organization. (2011). Global health observatory: Prevalence of insufficient physical activity. Retrieved from http://www.who.int/gho/ncd/risk_factors/physical_activity_text/en/index.html

An Investigation of the Relationship between Constraining Factors and Students' Participation in Extracurricular Sport Activities at Military University with Mixed Research Method

Saeed Sanei*¹ - Seyed Reza Hosseini Nia²

1. Associate Professor, Department of Physical Education and Sport Sciences, Islamic Azad University, East Tehran Branch, Tehran, Iran 2. Assistant Professor, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Shahrood University of Technology, Shahrood, Iran

(Received: 2014/6/8; Accepted: 2015/3/3)

Abstract

The aim of this study was to examine the relationship between constraining factors and students' participation in extracurricular sport activities at Military University. The method of the present study was mixed and of an explanatory type. Questionnaire and interview were two techniques used for data collection. The results showed that about %66 of students said that they did not participate in any physical activity. 3 factors of time, skill and personal interest were more preventive respectively among the students. Also, there was a significant relationship between shortage of time, personal interest, economic status, level of physical fitness and public relations with level of sport participation of students, but there was no relationship between facilities, quality of management and skill with level of sport participation. In addition, the results of the qualitative research identified two categories: individual and organizational factors that played a role in the absence of students from extracurricular sport activities. A large part of the obtained results of quantitative research was approved by the results of qualitative research. In addition, their cause was investigated in an accurate, in-depth and more practical way. Since the participation in sport activities will promote health, the officials are recommended to plan to overcome these obstacles and to pave the way for more participation of students.

Keywords

University Students, Mixed Research Method, Constraining Factors, Extracurricular Sport Activities.

* . Corresponding Author: Email: saeedsanei92@gmail.com ; Tel: +989122944295